

## آب از سرچشمه گل آلود است

آب از سرچشمه گل آلود است



عبارت مثلي ، ريشه تاريخي دارد و از زبان بيگانه به فارسي ترجمه شده است. خلفاي اموي جمعاً چهارده نفر بودند که از سال 41 تا 132 هجري در کشور پهناور اسلامي خلافت کرده اند. اگر چه در میان اين خلفا افراد محيل و مدبري چون معاويه و عبدالملک مروان وجود داشته اند، ولي هيچ يک از آنها در مقام فضيلت و تقوي و بشر دوستي همتاي خليفه هشتم عمر بن عبدالعزيز نمي شدند. اين خليفه تعاليم اسلامي را تمام و کمال اجرا مي کرد و دوران کوتاه خلافتش توأم با عدل و داد بوده است. بدون تکليف و تجمل زندگي مي کرد و براي تأمين معاش روزانه بيش از دو درهم در روز از بيت المال برنمي داشت. نسبت به خاندان رسالت، خاصه حضرت علي بن ابي طالب (ع) قلباً عشق مي ورزيد و از اينکه آن افصح متکلمان را در میان دو نماز و در کوي و برزن سب و لعن مي کردند چون خاري دل و جانش را مي خليد و بالاخره با هوشمندی و تدبيري بس عاقلانه که از حوصله اين مقال خارج است، سب و لعن امير مؤمنان را ممنوع داشت و با اين پايمردي و فداکاري در زمره اتقيا و نيکمردان عالم درآمد. روزي همين خليفه از عربي شامي پرسيد: «علاملان من در ديار شما چه مي کنند و رفتارشان چگونه است؟». عرب شامي با تبسمي رندانه جواب داد: «چون آب در سرچشمه صاف و زلال باشد در نهرها و جويبارها هم صاف و زلال خواهد بود». هميشه آب از سرچشمه گل آلود است. عمر بن عبدالعزيز از پاسخ صريح و کوينده عرب شامي به خود آمد و درسي آموزنده بيآموخت.

بعضيه اين سخن را از حکيم يوناني ارسطو مي دانند، آنجا که گفته بود: « پادشاه مانند دريا، و ارکان دولت مثال انهاري هستند که از دريا منشعب مي شوند.»، ولي ميرخواند آنرا از افلاطون مي داند که فرمود: «پادشاه مانند جوي بزرگ بسيار آب است که به جويهاي کوچک منشعب مي شود. پس اگر آن جوي بزرگ شيرين باشد، آب جويهاي کوچک را بدان منوال توان يافت، و اگر تلخ باشد همچنان». فريدالدين عطار نيشابوري اين موضوع را به عارف عاليقدر ابوعلی شقيق بلخي نسبت ميدهد که چون قصد کعبه کرد و به بغداد رسيد، هارون الرشيد او را بخواند و گفت: «مرا پندي ده». شقيق ضمن مواعظ حکيمانه گفت: «تو چشمه اي و عمال جويها. اگر چشمه روشن بود، تيرگي جويها زيان ندارد، اما اگر چشمه تاريک بود به روشني جوي اميدي نبود». در هر صورت اين سخن از هر کس و هر کشوري باشد، ابتدا به لسان عرب درآمد و سپس به زبان فارسي منتقل گرديد، ولي به مصداق الفضل للمتقدم بايد ريشه عبارت مثلي بالا را از گفتار افلاطون دانست که بعدها متأخران آن عبارت را به صور و اشکال مختلفه درآورده اند.